

هو العليم

حرمت اعانت بر گناه و ظلم

بیاناتی پیرامون آیه: ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوٰی وَ

لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَ الْعُدُوْنِ﴾

مبانی اخلاق - مجلس یازدهم

بیانات

علامه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

قدس الله سره

طهران، مسجد قائم، رمضان المبارک ۱۳۹۸ هجری

قمری

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

دستور قرآن مبنی بر کمک به یکدیگر در انجام

کارهای خیر و اجتناب از محرّمات

﴿و تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱

مقداری از آیه دوّم از پنجمین سوره قرآن، سوره

مائده است؛ و معنایش این است:

«با همدیگر در کارِ برّ و تقوا کمک کنید، و در

گناه و ستم و دشمنی کمک نکنید!»

برّ به معنای خوبی و هر کار خوبی است، و تقوا

هم یعنی پاکیزگی و در مصونیت و عصمت الهی

^۱ سوره مائده (۵) آیه ۲.

درآمدن و در ورع و اجتناب از محرّمات قدم نهادن؛

یعنی:

«در کارهای خوب و در کارهای احسان به

همدیگر کمک کنید، و در اِثم و گناه و در ستم

کمک نکنید و با یکدیگر تعاون نکنید.»

حکم فقهی تعاون و کمک در امور خیر

فقها از این آیه استفاده کرده‌اند که تعاون و کمک

در هر امر برّ و تقوایی مستحسن است و در بعضی

موارد به مرحلهٔ وجوب و لزوم می‌رسد؛ و از آن

گذشته در بقیّهٔ امور، مسلماً مستحب است که انسان

در کار خیری که پیش می‌آید، به هر مقداری که

می‌تواند کمک کند.^۱ مؤمنین به همدیگر کمک کنند،

برادر به برادر کمک کند، رفیق به رفیق کمک کند و

آن کار برّ و احسانی که باید انجام بگیرد، به معونه و

کمک همدیگر بر پا بشود.^۲

حرمت شرعی اعانه بر گناه و کار حرام

ولی کمک کردن در گناه و ستم حرام است؛ چون

نهی، دلالت بر حرمت می‌کند:

^۱ کنز العرفان، ج ۲، ص ۱۳۳؛ ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۶۰۲.

^۲ الأمالی، صدوق، ص ۲۸۸.

﴿وَلَا تَعَاوَنُوا﴾؛ «در کار گناه و در ستم کمک

نکنید!»

خود گناه و ستم که فی حدّ نفسه حرام است و اگر کسی گناه کند، کار حرامی کرده است. و اگر کسی به دیگری در گناه کمک کند به طوری که بر عملی که انجام می‌دهد اعانت بر گناه صدق بکند، این هم حرام است؛ نه از نقطه نظر خود گناه، بلکه از نقطه نظر اعانت و کمک بر گناه.

حرمت معامله امور حلال برای مصارف حرام

من باب مثال، شراب خوردن حرام است، و اگر انسان کاری کند که کمک به شراب‌خواری باشد؛ مثلاً انگور خود را به کسی بفروشد که آن را شراب می‌اندازد، این کمک به گناه است، یا دگان خود را به کسی که در آن شراب می‌فروشد اجاره دهد یا مرکب خود را به کسی که با آن شراب حمل می‌کند اجاره دهد، گرچه فی حدّ نفسه فروختن انگور یا اجاره دادن باغ انگور یا اجاره دادن حانوت و دگان و اجاره دادن مرکب، حرام نیست، ولیکن در این موضع چون کمک بر اثم و بر گناه است، از این نقطه

نظر حرام می‌شود.^۱

یا مثلاً انسان چوبی را بفروشد برای اینکه بت یا صلیب از آن چوب بسازند، گرچه چوب فروشی حرام نیست، ولیکن کم‌اینکه در عین روایت وارد شده است که: «بِيعَ الْحَشَبِ لِيَتَّخَذَ صَنْمًا أَوْ صَلِيبًا؛ چوبی را برای اینکه از آن بت تراشند و یا برای اتخاذ صلیب و برای اینکه به شکل صلیب دریاورند، می‌فروشد.» چون بت‌پرستی و بت‌تراشی حرام است، فروختن چوب برای این امر هم حرام است، چون کمک و اعانت بر حرام است.^۲

صلیب همان چلیپا است. صَلْبٌ یعنی دار کشیدن؛ صلیب همان آلت صَلْب و آلت دار زدن است. چلیپا و صلیب آن علامت خاصهٔ نصاری است که مطابق عقاید خود می‌گویند: «حضرت عیسی را بر آن چوبه به دار زدند!» ولیکن عقیدهٔ ما مسلمین

^۱ الکافی، ج ۵، ص ۲۲۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷۱.

^۲ الکافی، ج ۵، ص ۲۲۶؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷۳؛ با قدری اختلاف.

این است که حضرت عیسی را دار زدند، بلکه یک نفر دیگر را که شکل او بود، اشتباهاً گرفتند و به جای او به دار زدند و خداوند علیّاً علیّاً حضرت عیسی را زنده نگه داشت و به آسمان برد؛ ﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ﴾^۱ ولیکن نصاری صلیب را مقدّس می‌شمردند و به کمر و گردن آویزان می‌کنند و در مجالس خود، در کلیساها و سایر مکان‌ها به عنوان شعائر مذهبی خود اعمال می‌کنند؛ و اگر مسلمان چنین کاری کند، کار حرامی کرده است.

بنابراین اگر مسلمان چوبی بفروشد که به شکل صلیب در بیاورند، فروختن این چوب هم حرام است. فروختن این آهن یا این طلا و نقره‌ای هم که آن را به شکل صلیب در می‌آورند حرام است؛ و لذا افرادی که زرگر هستند و از نقره و طلا صلیب می‌سازند، کار حرامی می‌کنند؛ و خرید و فروش آن صلیب، یعنی آن علامت مختصّه هم حرام است، و استعمالش هم حرام است.

حرمت تشبّه به کفار و برخی از احکام پوشش

^۱سوره نساء (۴) آیه ۱۵۷.

کراوات هم صلیب است؛ خواه به شکل مثلث
 آویزان باشد یا خواه به شکل پاپیون باشد، صلیب
 است و از علائم مختصهٔ نصاری است و استعمالش
 بر مسلمین حرام است!^۱ اگر کسی هم پارچه‌ای
 بفروشد که شخصی او را کراوات کند، آن هم حرام
 است؛ چون اعانت بر گناه کرده است!

استعمال طلا و زینت طلا بر مردهای مسلمان
 - نه زنهای مسلمان - حرام است؛ مثلاً اگر مرد
 انگشتر طلا و حلقهٔ طلا در دست کند، یا دکمهٔ سر
 دست و یقهٔ خود را طلا کند، یا ساعت مچی خود را
 که زینت ظاهر است طلا کند، حرام است و
 استعمالش حرام است و نماز با آن هم باطل است.^۲
 اما اگر کسی انگشتر طلای مردانه ساخت، دکمهٔ سر

^۱ رجوع شود به علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۸؛ نور ملکوت قرآن، ج ۲، ص ۱۰۱، تعلیقه.

^۲ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۸: «عن مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عن عَمَّارِ بْنِ مُوسَى، عن أبي عبد الله عليه السلام: ... و قال: "لا يلبس الرجل الذهبَ ولا يُصَلِّي فيه؛ لِأَنَّهُ مِنْ لِبَاسِ أَهْلِ النَّارِ."»

ترجمه: «از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: "مرد نباید چیزی از جنس طلا بپوشد یا به دست کند، و نیز نباید در آن نماز بخواند؛ چرا که طلا لباس اهل آتش است."» (محقق)

دست مردانه ساخت یا اینکه خرید و فروش کرد، این هم از باب اعانت بر گناه، محرّم است؛ و شکی نیست بر اینکه جزئی از محرّمات حساب می‌شود و البتّه مردمان مسلمان باید اجتناب کنند!

پوشیدن پیراهن ابریشمی برای مرد مسلمان حرام است، نه برای زن؛ استعمال زینت طلا و استعمال لباس ابریشم خالص برای زنان اشکال ندارد، ولی برای مردها حرام است. زیر پیراهنی و پیراهن، کت، شلوار، کلاه، اگر از ابریشم خالص باشد حرام است و مرد مسلمان نمی‌تواند بپوشد، و نماز هم با آن باطل است.^۱ اگر کسی از ابریشم خالص، پیراهن مردانه درست کرد، این عملش حرام است و خرید و فروش آن هم حرام است؛ چون اعانت بر گناه است.

ریش‌تراشی در شرع اسلام حرام است.^۲ اگر کسی ریش خود را بتراشد یا کسی ریش دیگری را

^۱ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۳؛ الإستبصار، ج ۱، ص ۳۸۵ و ۳۸۶.
^۲ الجعفریّات (الأشعثیّات)، ص ۱۵۷:

«عن علیّ بن ابی طالب علیه السّلام قال: قال رسولُ الله صلّی الله علیه و آله و سلّم: "حَلَقُ اللَّحِیَةِ مِنَ الْمُثَلَّةِ، وَ مَنْ مَثَلَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللهِ!"»

ترجمه: «از علیّ بن ابی طالب علیه السّلام روایت شده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود: "تراشیدن ریش، نوعی از مثله کردن است، و کسی که مثله کند لعنت خدا بر او باد!"» (محقّق)

بتراشد، کار حرامی کرده است؛ و اگر کسی دگان خود را به ریش تراش اجاره بدهد، کار حرام کرده است؛ چون اعانت بر گناه کرده.

حرمت ربا و هرگونه مشارکت و کمک در این

مسئله

و نظیر اینها از مثال‌هایی که می‌توان زد، بسیار زیاد است. ربا خوردن و ربا دادن حرام است؛^۱ یعنی انسان یا معامله ربوی کند، یا قرض ربوی بدهد، معامله جنس به جنس و زیاده، یا قرضی بدهد و زیاده، اینها حرام است. پنج طایفه در این معاملات ربوی لعنت شده‌اند: ربا دهنده، ربا گیرنده، واسطه معامله، شاهد، و کاتب؛^۲ این پنج طائفه در نزد پروردگار ملعون‌اند. و ربا به هر صورت و به هر کیفیتی می‌خواهد باشد؛ انسان ده تومان به رفیقش قرض می‌دهد که موقع غروب، ده تومان و یک قران به انسان بر گرداند؛ صد تومان قرض می‌دهد که در

^۱ فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۵۶.

^۲ جامع الأخبار، شعیری، ص ۱۴۵؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۷؛ عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۱۳۶؛ با قدری اختلاف.

آخر ماه صد و یک تومان بدهد، یا بیشتر یا کمتر؛ ربا شخصی باشد یا کلی باشد؛ به صورت صرافخانه‌ها باشد یا به صورت بانک‌های بزرگ باشد؛ همه‌اش حرام است! اینها رباخانه است و ربا دهنده و ربا گیرنده و کاتب و شاهد و واسطه، ملعون‌اند؛ چون اینها در متن ربا واقع‌اند.

اما افرادی که در متن ربا واقع نیستند، بلکه کمک می‌کنند؛ مثل آن قاصدی که کاغذ را از طرف بانک می‌آورد به کاتب می‌دهد و بر می‌گردد؛ آن کسی که در بانک را باز می‌کند؛ آن کسی که جارو می‌کند؛ آن کسی که پاسبانی می‌کند؛ آن کسی که به هر قسم از اقسام اعانت و کمک، کمک می‌کند؛ اینها در تحت عنوان کمک بر اِثم است و حرام است و باید اجتناب کرد. پولی هم که انسان از آنها می‌گیرد حرام است، و حقوقی هم که می‌گیرد حرام است.

احکام خرید و فروش و ساختن مجسمه و

عروسک

نظیر این مثال زیاد است. مجسمه فروختن حرام است، عروسک فروختن حرام است؛ اگر کسی عروسک بفروشد ولو برای بچه باشد، کار حرامی

کرده است.^۱ اما اگر کسی عروسک نفروخت و در خانه خود نگاه نداشت، ولی عروسک ساخت، این چون مقدمه استفاده حرام از آن می شود لذا ساختنش هم حرام است. مثال نظیر اینها زیاد است؛ اینها کمک بر اثم و کمک برگناه است.

حرمت شدید کمک و اعانه بر ظلم و ستم

اما کمک بر عدوان؛ عدوان به معنی ستم است. هر کسی که ستمی کند و انسان به او کمک کند، حکم همان ستم کار را دارد. مثلاً ظالمی می خواهد یک نفر را بکشد، به انسان می گوید: «آن شمشیر را به دست من بده!» و انسان شمشیر را به دست آن ظالم می دهد؛ او کار حرامی کرده و در خون آن شخص مظلوم شرکت کرده و مقداری از خون او که ریخته

^۱ الکافی، ج ۳، ص ۳۹۳:

«عن محمد بن مروان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: "إن جبرئيلَ عليه السلام أتاني فقال: إنا معشر الملائكة لا ندخلُ بيتاً فيه كلبٌ ولا تمثالُ جسدٍ ولا إناءٌ يُبالُ فيه."»

ترجمه: «از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روایت شده است که فرمود: "جبرئیل به نزد من آمد و گفت: ما گروه ملائکه در خانه ای که در آن سگی، یا مجسمه بدنی، یا ظرفی که در آن بول شده است باشد، وارد نمی شویم."» (محقق)

می‌شود، سهمیهٔ این انسان است!

و یا ظالمی می‌خواهد کسی را بزند، به انسان می‌گوید: «آن عصا یا شلاق را به من بده، من او را می‌زنم نه اینکه خودت بزنی!» اگر انسان کسی را بکشد یا کسی را بزند، مظلومی را بزند و بکشد، که خود انسان مباشرت کرده است؛ نه، بلکه وقتی انسان آلت قتل یا ضرب را به دست ظالم می‌دهد و ظالم چنین کاری می‌کند، چون انسان در این کار معاونت کرده، کار حرام کرده است.

در روایت است:

در روز قیامت، بعضی از افراد در صحرای محشر حاضر می‌شوند و خداوند علیّاً علیّاً که آنها را در مقام عرض، حاضر می‌کند، ملائکه آنها را مجرم قتل تلقی می‌کنند و مجرم این ظلم می‌دانند. و برای یک شخص یک استکان خون، برای بعضی یک محجمه (وقتی که آن آلت حجامت را به بدن انسان می‌گذارند و می‌مکند، آن مقداری را که در آن آلت حجامت خون جمع می‌شود، می‌گویند: محجمه)، برای بعضی بیشتر، بیشتر، بیشتر. این شخص تعجب می‌کند و می‌گوید: «من در دنیا که قتلی نکرده‌ام و آدم خوبی بوده‌ام، پس چرا این خون سهمیهٔ من

شد؟!»

خطاب می‌رسد: «فلان ظالم آدمی کشت؛ فلان کس کمک کرد، فلان کس شمشیر به او فروخت، فلان کس غذای او را آماده کرد تا اینکه قوت بگیرد و نیرو بر این کار داشته باشد، تو هم در منزلش را جارو کردی و بالنتیجه در اثر تعاون و اجتماع تمام این مقدمات، قتلی واقع شد؛ ما آن قتل را قسمت کردیم، آن خون به این سهم‌ها قسمت شد، به اندازه نیت و کمک تو نصیب تو شد و این مقدار از آن خون بر عهده تو است!»^۱

و نظیر این مطلب در روایات بسیار زیاد است.^۲

و لذا یکی از محرّمات فقهیه که بزرگان از علما و فقها در کتاب خود عنوان دارند، عنوان «اعانت بر ظالم» است. کمک بر ظالم در ظلم، بدون اشکال از محرّمات شرعی است و از صدر اوّل اسلام تا به حال، تمام فقها که در بحث اعانت بر ظالم وارد می‌شوند، از همین آیه‌ای که ذکر شد: ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾^۳ استفاده می‌کنند و به دنبال این آیه،

^۱ الکافی، ج ۷، ص ۲۷۳.

^۲ رجوع شود به مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۲۱۱ - ۲۱۴.

^۳ سوره مائده (۵) آیه ۲.

روایاتی را که در این باب وارد شده است، در بحث‌های مفصل و طولانی خود ذکر می‌کنند.

پس مسلمان باید خیلی متوجه باشد، و خیال نکند که گناه فقط عبارت است از خوردن شراب یا زنا و دروغ و غیبت و جنایت و آدم‌کشی و سرقت و ربا و سایر گناهایی که در رسائل عملیه به عنوان محرّم یا به عنوان مکاسب محرّمه ذکر می‌شود؛ اعانت و کمک به هر گناه، و اعانت و کمک به هر ستم و ظلمی، از نقطه نظر عنوان اعانت و کمک، گناه است! کما اینکه به عنوان کلی می‌توان گفت: انسان در امور برّ و احسان، لازم است که اعانت کند؛ آن مواردی که ضروری است عنوان وجوب دارد، و آن مواردی که ضروری نیست و شخصاً بر عهده انسان تعلق نمی‌گیرد، عنوان استحباب دارد.

پس آیه شریفه این شد:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱ «از خدا پرهیزید؛ خدا عقابش شدید

است!»

^۱ سوره مائده (۵) آیه ۲.

نگوید که: «ما فلان کار را کردیم، ما که گناه
نکردیم؛ ما مَرکب خود را برای بردن مردم به مراکز
فحشا و منکرات اجاره دادیم، خودمان که اهل این
عمل نیستیم!» می گوید: «کمک کردی، و به اندازه‌ای
که کمک کردی، در این جرم و جنایت شریک
هستی!» نگویند: «ما دگان خود را به بانک اجاره
دادیم، یا به کسی که شغلش ریش تراشی است، یا به
کسی که صلیب می‌سازد و گردن مردم می‌اندازد، یا
به کسی که انگشتر طلا می‌سازد و دست مردان
می‌کند، کار ما که حرام نیست!» از نقطه نظر اعانت،
حرام است و انسان اگر خدای نا کرده چنین کاری را
بکند، در آن جرم شرکت کرده است!

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ